یادداشت

تهران و منظر صوتی

لطیف روحانی

● بر اساس مطالعات جدید برای ارزیابی صوت در محیط شهری باید به دو نکته توجه کرد؛ نخست، سنجش تأثیرات ذهنی صوت علاوه‌بر پارامترهای اکوستیکی و دوم، ارزیابی جنبه‌های مثبت و منفی آن توأمان در تعیین میزان کیفیت صوتی محیط شهری؛ به بیان دیگر صوت در محیط شهری می‌تواند هم‌زمان مفاهیم گوناگونی داشته باشد. این گوناگونی بیش از آنکه به خصوصیات فیزیکی صوت (مانند شدت یا فرکانس) وابسته باشد، به مفهوم صوت و رابطه آن با شنونده بستگی دارد. با این رویکرد، مفهوم منظر صوتی به معنی ارتباط میان تجربیات شنیداری شهروندان و زمینه‌های مادی و فرهنگی-اجتماعی در محیط شهر است. با چنین تعریفی مفهوم منظر صوتی را می‌توان جایگزین مسئله آلودگی صوتی شهر کرد.

صدا در اثر تغییر فشار هوا ایجاد می‌شود و با سرعت تقریبی ۳۴۰ متر در ثانیه در هوای ۱۵ درجه سانتی‌گراد منتشر می‌شود و به ازای هر یک درجه سانتی‌گراد افزایش دما، ۰/۶ متر در ثانیه به سرعت آن اضافه می‌شود. حال میزان آشفتگی و آلودگی‌های صوتی و گرمای شهر تهران را با هم جمع کنید و ببینید چه فاجعه صوتی‌ای در شهر در جریان است. این در حالی است که انسان صداهای صفر تا ۱۲۰ دسی‌بل(db) را می‌شنود. صفر دسی‌بل آستانه شنوایی و ۸۰ دسی‌بل آستانه حرانی است. در واقع صداهای بالاتر از ۷۰ یا ۸۰ دسی‌بل برای انسان ناخواسته و ۱۲۰ دسی بل آستانه درد و صداهای بالاتر از ۱۲۰ دسی‌بل به اعضای شنوایی آسیب می‌رساند. از طرفی آلودگی صدا بیشتر جنبه احساسی و ذهنی دارد و برخلاف آلودگی‌های دیگر مثل آب‌وهوا، به‌دلیل مشخص‌نبودن استاندارد مجاز آلودگی آن برای مدیران شهری، نادیده گرفته می‌شود. مضافا شرایط اقلیمی و توپوگرافیک محیط و اصطکاک ناشی از ساختمان‌های شهر بر نوع معماری در ترکیب کاربری‌ها و میزان صدای محیط شهری تأثیر دارد. با توجه به مطالب مذکور درباره منظر صوتی و البته جنبه‌های منفی آلودگی صوتی شهر تهران، باید به دو دسته کاربری توجه کرد؛ کاربری اول: آن دسته از کاربری‌هایی که به‌دلیل آلودگی صوتی بیش از حد مجاز نمی توانند در محدوده شهر تهران قرار بگیرند؛ ازجمله فرودگاه‌ها و راه‌آهن و منابع سنگین که هر سه مورد در حریم شهر تهران وجود دارند. کاربری دوم: کاربری‌هایی هستند که در صورت مکان‌یابی و همجواری درست و تمهیدات مناسب اکوستیکی قابلیت قرارگرفتن در محدوده شهر را دارند؛ مانند کارگاه‌های صنعتی جوشکاری، صافکاری، نجاری، و.... به‌طور قطع هرکدام از این کاربری‌ها در آشفتگی و آلودگی صوتی تهران نقش دارند. هواپیما از فاصله یک کیلومتری، صد تا ۳۰۰ دسی‌بل صدا تولید می‌کند. ترمینال‌ها و ایستگاه راه‌آهن در فاصله هفت‌متری، صد دسی‌بل صدا تولید می‌کند. ترافیک سنگین در ساعات پرتردد روز، ۸۵ دسی‌بل صدا تولید می‌کند. حرکت وسایل نقلیه در سرعت کم با بوق‌زدن، صدای اگزوز و موتور، ۹۵ دسی‌بل و در سرعت بیش از ۷۰ کیلومتر بر اثر صدای اصطکاک چرخ‌ها با جاده و مقاومت هوا در برابر بدنه اتومبیل صد دسی‌بل صدا تولید می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۷

یک کافه حرفه‌ای می‌تواند محل خوبی برای انجام رسالت طلبگی باشد

گفت‌وگو با اولین طلبه کافه‌دار در اصفهان

این طلبه جوان می‌گوید: در کافه رسم داریم که به میهمانان خارجی‌مان یک هدیه می‌دهیم- چون نزدیک میدان امام هستیم و توریست زیاد می‌آید- در این هدیه نامه رهبر عزیز انقلاب به جوانان اروپا هم هست بالاخره ما هم وظیفه داریم این نامه را به مخاطبانش برسانیم. یک روز جوانی دانمارکی آمد و تا نامه را دید، گفت که این نامه را قبلا خوانده و سؤالات زیادی برایش ایجاد شده، از او خواستم تا بپرسد، حدود سه‌ساعت طول کشید و همه سؤالاتش را پرسید. برخی از طلاب جوان علاقه بسیاری به فعالیت اجتماعی با گرایش‌های نوگرایانه دارند که بعضا ورود طلاب جوان به عرصه‌های شغلی غیرمرتبط با انتقاداتی روبه‌رو بوده است. سیدهادی حسینی از طلاب اصفهانی است که در کنار درس و بحث طلبگی حوزه‌های علمیه، کافی‌شاپ کوچکی را در نزدیکی میدان امام اصفهان راه‌اندازی کرده است. گفت‌وگوی کوتاهی را با این طلبه جوان در مورد نسبت طلبگی با کافه‌داری و شغلی که برای خود برگزیده است داشته‌ایم که متن آن در ادامه می‌آید.

برای شروع کمی از زندگی و تحصیلاتتان بگویید.

سیدمحمدهادی هستم و در یکی از روزهای خدا در یک خانواده دوست‌داشتنی به دنیا آمدم. در زمان جنگ، کردستان بودیم و بعد از آن به بیشتر استان‌های ایران، همراه خانواده سفر داشتیم و در برخی از آنها زندگی کرده‌ایم؛ به قول معروف «دنیادیده بهتر از دنیاندیده است».

در دانشگاه، رشته اقتصاد خواندم و بعد از آن به حوزه علمیه رفتم. بخشی از دوران طلبگی‌ام را در قم بودم و بخشی را در اصفهان، اما چون همسرم اهل اصفهان بود، آخر به اصفهان برگشتم و فعلا در این شهر تحصیل، کار و زندگی می‌کنم.

خب! طلبگی کجا و کافی‌شاپ کجا؟ چه شد که کافه‌دار شدید؟

تقریبا در تمام دوران درس خواندنم، چه آن‌وقت که دانشجو بودم و چه حالا که طلبه هستم، کار کرده‌ام! از بازاریابی و مسافرکشی تا پرواز تفریحی و خبرنگاری. به نظرم جوهره انسان کار است. اهل بیت هم با آنکه به درآمد خود چندان نیاز نداشتند، کار می‌کردند و ماحصل آن را می‌بخشیدند به فقرا.

بعد از اینکه مجددا به اصفهان آمدم، همسرم کمی سرمایه داشت که می‌خواستیم کاری راه بیندازیم. چند گزینه مطرح شد، یکی تریا، یکی فست‌فود، یکی شرکت تجاری و یکی هم کافه! خیلی فکر کردیم و با اهل فن مشورت داشتیم، نتیجه‌اش راه‌اندازی کافه شد. البته در این تصمیم‌گیری یکی از دوستان خوبم- که او هم طلبه است- به نام میلاد، بسیار مؤثر بود. میلاد علاقه‌مند به راه‌اندازی کافه بود، اما سرمایه لازم را نداشت و خلاصه این شد که ما هم به کمک دوستم، میلاد، کافه‌دار شدیم... .

بین این‌همه شغلی که نام آوردید، کافه چه ویژگی‌ای داشت که آن را انتخاب کردید؟

به‌نظرم طلبه باید در بین مردم باشد، با آنها کار و با آنها زندگی کند. هرچه ارتباطش با لایه‌های مردم بیشتر باشد، اثرگذاری‌اش هم بیشتر است. با این طرز فکر طبیعی است شغلی برایم بهتر است که ارتباط بهتر و بیشتری با مردم به‌ویژه جوان‌ها داشته باشد و این فرصت به‌خوبی در کافه ایجاد می‌شود. اینجا جوان‌ها با فکرها و تیپ‌های مختلف می‌آیند و ساعتی از روز خود را در آن سپری می‌کنند، این بهترین فرصت برای یک طلبه است.

یعنی با آنها صحبت می‌کنید؟

کارمان چندین بخش دارد! یکی آن است که بهترین قهوه را برای مشتری دم کنم و بهترین پذیرایی را از او داشته باشم، خب! او به اینجا آمده و هزینه می‌کند که بهترین خدمات را دریافت کند.

بخش دوم در تبلیغ غیرزبانی است! مطمئنم که بهترین راه تبلیغ، راه عملی است. وقتی مشتری می‌بیند که -کافه‌دار- با یک چهره مذهبی پیش می‌آید و با خوش‌اخلاقی از او پذیرایی می‌کند و هوای او را دارد، این خودش کشش و جاذبه ایجاد می‌کند.

بخش سوم که بیشتر برای مشتریان دائم و همیشگی جواب می‌دهد، همان گفت‌وگوی زبانی است که در کافه ما بسیار رواج دارد.

شما به مشتریانتان می‌گویید طلبه هستید؟

اغلب آنها در لحظه اول متوجه تفاوت کافه‌دار با دیگر کافه‌هایی که دیده‌اند می‌شوند و برخی از آنها خودشان علت این تفاوت را می‌پرسند؛ خب! من هم در جواب می‌گویم که ما طلبه هستیم و این معمولا می‌شود سرآغاز یک دوستی و ارتباط بیشتر. الان اغلب مشتریان ما می‌دانند که باریستای آنها یک طلبه جوان است و شاید خیلی‌هایشان به همین خاطر اینجا می‌آیند. بسیاری‌شان هم ساعات خلوت را انتخاب می‌کنند تا بیشتر بتوانیم گفت‌وگو کنیم.

در طراحی کافه هم سعی کرده‌اید که عقاید خود را نشان دهید؟

نه! همین‌طور که می‌بینید، فضا و دکور کافه کاملا کلاسیک و عاشقانه است، به‌جز همین چند عکس که از شاعران، بازیگران، اندیشمندان و سیاست‌مداران مشهور زده‌ایم و کمی جنبه اجتماعی به کافه داده، هیچ المان مذهبی یا اعتقادی‌ای به کار نرفته است. در برخورد و نوع پذیرایی هم تفاوتی بین مهمانانی که ظاهر مذهبی دارند و مثلا دخترخانمی که در عرف به او بی‌حجاب می‌گویند نداریم. همه‌شان برای ما محترم و عزیزند چراکه معتقدم دل همه جوانان ما متوجه خداوند و معنویت و انقلاب است. به‌قول رهبر عزیزمان «اینها یک نقص ظاهری دارند» مثل خود من که نقص باطنی دارم. حالا این مفهوم در کافه ما بسیار احساس می‌شود.

چطور احساس می‌شود؟

ما مشتریان دائم زیادی داریم؛ از خانم‌هایی که به‌قول معروف شل‌حجابند یا آقاپسرهایی که تیپ ظاهری‌شان مذهبی نیست! می‌آیند و بسیاری اوقات سر گپ بینمان باز می‌شود. خیلی‌وقت‌ها سؤالات شرعی یا اعتقادی‌شان را می‌پرسند یا حرف‌ها و درددل‌هایشان را می‌گویند. آن وقت است که می‌بینیم چه قلب‌های همراه و چه باطن‌های تشنه‌ای دارند. فقط به‌خاطر یک دیوار توهمی بین ما و آنها فاصله ایجاد شده است که خدا را شکر این دیوار در کافه برکه فرو ریخته و همه ما یکی شده‌ایم.

شما برای درست‌کردن قهوه و دیگر نوشیدنی‌ها آموزش هم دیده‌اید یا خودتان تجربی کار کرده‌اید؟

دین ما دستور داده که انسان هرکاری را می‌خواهد انجام بدهد باید با علم و اتقان باشد. به همین دلیل بنده هم قبل از راه‌اندازی کافه به‌دنبال استاد بودم. خداراشکر با یکی از اعضای خوب انجمن قهوه اروپا که داور فینال مسابقات باریستای ایران هم بود، آشنا شدم و نزد ایشان دو دوره متفاوت و تخصصی را گذراندم، این آشنایی یکی از لطف‌های خدا به ما بود؛ چراکه ایشان همیشه و با همه وجود هوای ما را داشته‌اند.

امروز کافه برکه در اصفهان یکی از معدود کافه‌های تخصصی و حرفه‌ای در بحث قهوه است و منوی تخصصی قهوه داریم! در همه تبلیغاتمان هم می‌نویسیم که اولین و تنها بروبار این شهریم!

برای مخاطبان کمی هم درباره بروبار توضیح بدهید.

بروبار (brew bar) به سبک جدیدی از کافه‌ها در دنیا گفته می‌شود که در آن با دستگاه‌های مختلف و به شیوه‌های تخصصی قهوه را دم می‌کنند و دیگر از دستگاه تجاری اسپرسو یا... خبری نیست یا در حاشیه کار است. در این سبک، قهوه طعم‌ها و عطرهای متفاوتی پیدا می‌کند که برای همه سلیقه‌ها جذاب است. در ایران تعداد انگشت‌شماری کافه هستند که این دستگاه‌ها را وارد کرده و بار قهوه را راه‌اندازی کرده.

شما همچنان مشغول درس و بحث طلبگی هستید؟

بنده خودم را طلبه نمی‌دانم، طلبگی یکبار مسئولیت و یک هویت بزرگ دارد که برای قد و قواره کوچک من خیلی بزرگ است. بهتر است بگویم که مشغول تحصیلات حوزوی هستم. رسایل و مکاسب را در قم تا نیمه خواندم و حالا که به اصفهان آمدم دنبال درس و استاد می‌گشتم که خدا را شکر با کمک یکی از مشتریان، استاد و مدرسه خوبی را هماهنگ کردم. از ترم آینده هم ان‌شاالله صبح‌ها کلاس و درس و بحث را به جدیت مشغولیم، بعد از ظهرها هم به‌دنبال رسالت طلبگی‌ام در کافه.

از طرف دوستان روحانی یا دیگران چه واکنش‌هایی به راه‌اندازی کافه شما شده؟

۸۰ درصد واکنش‌ها مثبت بوده، از دوستان مذهبی و حتی روحانیون عزیزی که به کافه ما می‌آیند و آن‌قدر از این حرکت تعریف و تمجید می‌کنند که خجالت زده می‌شویم. البته بیست درصدی هم بوده‌اند که موافق این کار نبوده و گاهی کنایه‌هایی هم می‌زنند، اما چون می‌دانم همان‌ها هم از سر دلسوزی است، ناراحت نمی‌شوم. البته یک طیف هم هستند که از ورود یک طلبه به این فضا بسیار ناراحت و خشمگین شده‌اند، در صفحات مجازی و واقعی بسیار سعی کرده‌اند که ما را تخریب کنند. تهمت می‌زنند، مشتریانمان را منصرف می‌کنند، برایمان مشکل ایجاد می‌کنند، تبلیغاتمان را تخریب کرده‌اند و... اما چون می‌دانم که دارم به وظیفه‌ام عمل می‌کنم و کار برای خداست، پس خستگی و ناراحتی معنا ندارد. به‌قول حافظ عزیز «وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم، که در طریقت ما کافری است رنجیدن»

در آخر نکته یا خاطره‌ای زیبا که برایمان نقل کنید هست؟

در این مدت خاطرات بسیار زیبای زیادی دارم، از خانم بی‌حجابی که نگران نمازنخواندن دخترش بود تا مسیحی‌ای که سؤالات اعتقادی‌اش را می‌پرسید یا مشتری خوبی که برای آمدن به کافه ما پول قرض کرده بود و توریست‌های آلمانی که کتاب گوته را به ما هدیه دادند! اما یک خاطره بسیارزیبا برای خودم ماندگار شده. در کافه رسم داریم به مهمانان خارجی‌مان یک هدیه می‌دهیم- چون نزدیک میدان امام هستیم و توریست زیاد می‌آید- در این هدیه نامه رهبر عزیز انقلاب به جوانان اروپا هم هست؛ بالاخره ما هم وظیفه داریم این نامه را به مخاطبانش برسانیم. یک روز جوان دانمارکی آمد و تا نامه را دید، گفت این نامه را قبلا خوانده و سؤالات زیادی برایش ایجاد شده، از او خواستم تا بپرسد، حدود سه ساعت طول کشید و همه سؤالاتش را پرسید و تا آنجا که می‌توانستم پاسخش را دادم، در آخر بسیارخوشحال بود، می‌گفت یکی از بهترین روزهایش بوده و بارها تشکر کرد. آن روز، مثل همیشه، یکی از روزهای خوب کافه ما بود.

منبع: پایگاه خبری ۵۹۸

خبر

جزئیات طرح «انضباط شهری» منطقه ۱۲ تهران

شناسایی متکدیانی که سرقفلی دارند!

● **ایسنا:** شهردار منطقه ۱۲ تهران جزئیات «طرح انضباط شهری» در این منطقه را تشریح کرد.

عابد ملکی با تشریح جزئیات دیگر «طرح انضباط شهری» که قرار است در منطقه ۱۲ اجرا شود، تصریح کرد: در طرح انضباط شهری، موضوع، ساماندهی آسیب‌ها و نه جمع‌آوری آنهاست. وی با بیان اینکه تجربه نشان داده که صرف جمع‌آوری آسیب‌دیده‌ها، نمی‌تواند مشکلات را حل‌وفصل کند، گفت: برهمین‌اساس سعی داریم با ساماندهی، آموزش و اطلاع‌رسانی، مشکلات را حل‌وفصل کنیم.

شهردار منطقه ۱۲ با بیان اینکه در ابعاد ترافیکی، اجتماعی، خدمات شهری و کالبدی، برنامه‌های ویژه‌ای برای منطقه ۱۲ اتخاذ شده است، خاطرنشان کرد: توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی، توسعه پیاده‌راه‌ها، مدیریت بار، موتور و چرخ‌دستی یکی از مهم‌ترین اهداف این طرح است، به‌گونه‌ای که سعی داریم با ایجاد باراندازها، موضوع حمل بار را ساماندهی کنیم.

ملکی توسعه شبکه پیاده‌راهی را یکی دیگر از برنامه‌های شهرداری برای منطقه ۱۲ عنوان کرد و گفت: درخصوص ایجاد پیاده‌راه در خیابان سی تیر نظرات متفاوتی وجود دارد که ایجاد این پیاده‌راه هنوز در مرحله مطالعات قرار دارد.

وی با بیان اینکه در حوزه ساماندهی صنایع، مشاغل مزاحم و آلاینده نیز شهرداری در منطقه ۱۲ اقدامات گسترده‌ای را انجام خواهد داد، افزود: جابه‌جایی مشاغل، یکی دیگر از برنامه‌های شهرداری است به‌گونه‌ای که تولیدکنندگان کیف و کفش، سراجی‌ها، تفت‌دهندگان آجیل و فروشندگان لاستیک‌های دست‌دوم باید به محل دیگری منتقل شوند.

شهردار منطقه ۱۲ همچنین از حذف اضافات ساختمانی همچون کولر، کانال و تابلوهای غیرمجاز خبر داد و با بیان اینکه این برنامه جزء اقداماتی است که شهرداری درخصوص بهبود سیما و منظر شهری انجام می‌دهد، گفت: تفکیک و مدیریت زباله یکی دیگر از برنامه‌های مهم شهرداری در منطقه ۱۲ است؛ به‌گونه‌ای که روزی چهار الی پنج‌مرتبه نسبت به جمع‌آوری زباله در این منطقه اقدام می‌شود؛ البته باز هم شاهد مناظر زشت هستیم که باید در این راستا مشارکت مردم، اصناف و کسبه را جلب کنیم.

ملکی در مورد وضعیت محلات آسیب‌دیده منطقه ۱۲ همچون دروازه‌غار و هرندی که به پاتوقی برای معتادان و افراد آسیب‌دیده بدل شده است، گفت: شناسایی خانه‌به‌خانه در این محلات را در دستور کار قرار داده‌ایم و سعی داریم افراد آسیب‌دیده را شناسایی و در جهت حل مشکلات آنها گام برداریم و همچنین برنامه‌های فرهنگی گسترده‌ای برای این محلات در نظر گرفته شده است. وی درخصوص ساماندهی دوره‌گردها و متکدیان نیز با بیان اینکه «با پدیده‌ای با عنوان سرقفلی مواجه هستیم»، گفت: تعداد زیادی متکدی شناسایی شده‌اند که مکان‌هایی را به‌عنوان سرقفلی بین خود ردوبدل می‌کنند که قطعا با هماهنگی دستگاه قضائی با این متکدیان باندی برخورد می‌شود.

ملکی با بیان اینکه از ابتدای تیرماه تردد تاکسی‌های پلاک شهرستان در محدوده بازار ممنوع است، گفت: این تاکسی‌ها با حضور مأموران پلیس راهنمایی‌ورانندگی مورد شناسایی قرار می‌گیرند و تذکر به این رانندگان در دستور کار قرار گرفته است.

جدول ۲۲۹۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نگران و پریشان- رنگ افزایش تمرکز- فرمان تیراندازی ۲- شیرینی ماه رمضان- دوستان نزدیک- سازمان جاسوسی آمریکا ۳- دکان زیر پله- کوژ- لباس کوتاه جلوباز که روی لباس‌های دیگر می‌پوشند ۴- حرف دهن‌کجی- از ظروف آشپزخانه- شماره هریک از نامه‌های اداری ۵- میمنت- تاول سوختگی- بیماری ناشی از تجمع اسید اوریک در خون ۶- ناموزون- زره‌ساز- همیشگی ۷- موقر- نعش- ساز شکسته! ۸- مرغ سعادت- اثر مشهور آن برونته، نویسنده انگلیسی- خرید و فروش ۹- نفس خسته- دو شب پیش- رمانی نوشته رضا امیرخانی ۱۰- حریص و طمع‌کار- امامان- سرزنده و شاداب ۱۱- قوم حضرت موسی (ع)- دلیل‌ها- لوله بلند برای کشیدن اتومبیل ازکارافتاده ۱۲- نویسنده فرانسوی نمایش‌نامه «دست‌های آلوده»- شبه‌جزیره‌ای کوهستانی در مصر- ضمیر بی‌حضور ۱۳- شهری در استان قم- پایتخت بنگلادش- شمشیر عرب ۱۴- دستی- فضاپیمای بالدار- قطار برقی شهری ۱۵- از کنده بلند می‌شود!- سوره صدوچهارم قرآن- مخلوط قیر با ماسه و شن.

عمودی:

۱- سرقت- معروف‌ترین اثر هوشنگ مرادی‌کرمانی، نویسنده کودک و نوجوان ۲- محل فیلم‌برداری- پاک و پاکیزه- دشمن۳- میان‌برنامه تلویزیونی- سومین حرف الفبای یونانی- سالخورده و پیر ۴- به نیت کمک‌کردن به آسیاب کسی می‌ریزند- بیرونی‌ترین بخش بدن جانوران- اندیشه باطل ۵- عهد و قرار- واحدی برای طول معادل ۳۶ اینچ- از اندام گیاهی ۶- جادوگر- سیاه‌پوست- نسبت‌دادن خطا به کسی ۷- مبتلا- کلرید آمونیوم- نظریه ۸- نزدیکی- پول یا مالی که از کسی بی‌جهت و به ناحق بگیرند- بسیار شکمو ۹- طاقچه قدیمی- آدم بی‌عار- مثل ماه ۱۰- قوه قانون‌گذاری- بتن مسلح- یگانه ۱۱- غیرضروری- تزیین‌شده- شهر مقدس برهماییان در هندوستان ۱۲- ساکشن- تکیه‌کردن ۱۳- F- طلب باران از خداوند- بازار سهام- آسمان ۱۴- انجیر قرآنی- از زبان‌های زنده دنیا- گلی زیبا ۱۵- مؤسس سلسله صفویان که مذهب شیعه را رسمی کرد - درگذشت.

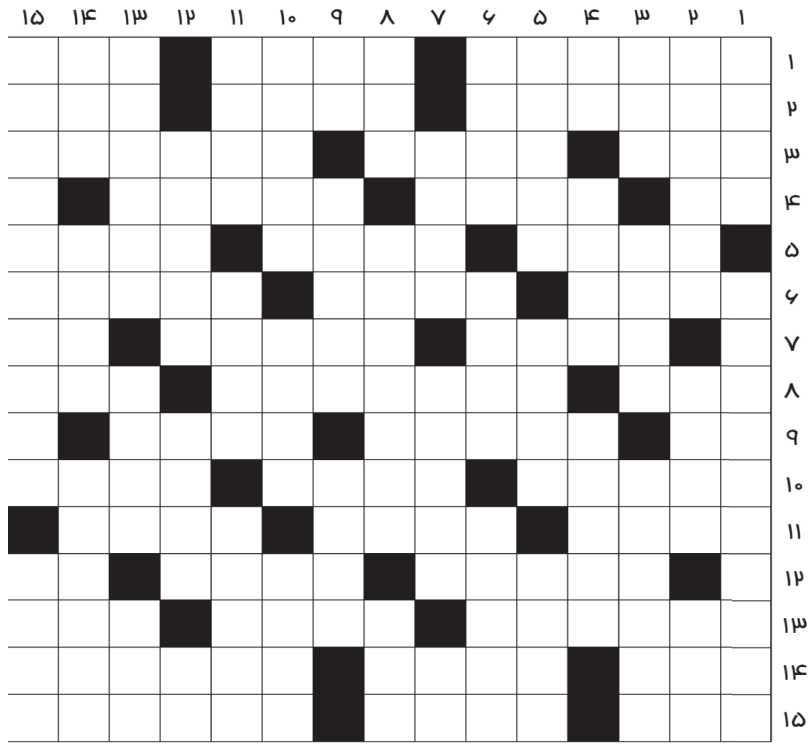

حل سودوکو سخت

۸	۱	۴	۶	۵	۷	۹	۲	۳
۶	۷	۲	۳	۹	۴	۸	۵	۱
۵	۳	۹	۱	۸	۲	۷	۴	۶
۲	۴	۸	۹	۳	۵	۱	۶	۷
۳	۵	۶	۸	۷	۱	۲	۹	۴
۷	۹	۱	۴	۲	۶	۳	۸	۵
۱	۸	۵	۷	۶	۹	۴	۳	۲
۹	۶	۷	۲	۴	۳	۵	۱	۸
۴	۲	۳	۵	۱	۸	۶	۷	۹

حل سودوکو ۱۲۹۵

۷	۲	۴	۹	۱	۵	۸	۳	۶
۵	۸	۹	۳	۷	۶	۲	۱	۴
۶	۱	۳	۴	۲	۸	۵	۹	۷
۴	۶	۷	۸	۹	۱	۳	۲	۵
۸	۳	۲	۷	۵	۴	۹	۶	۱
۹	۵	۱	۲	۶	۳	۷	۴	۸
۱	۷	۶	۵	۳	۹	۴	۸	۲
۲	۹	۸	۶	۴	۷	۱	۵	۳
۳	۴	۵	۱	۸	۲	۶	۷	۹

جدول ۲۲۹۸

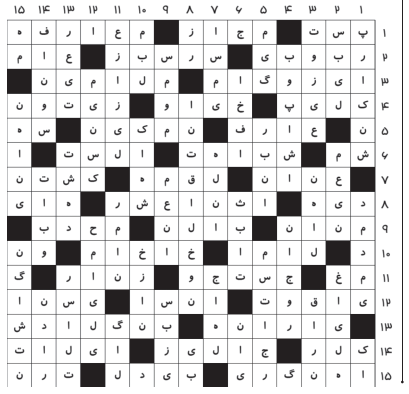

سودوکو سخت ۱۲۹۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲	۱					۹	۶	
		۶	۲		۵			
۵		۸	۱			۲		
			۷		۹	۳	۵	
		۷			۳		۲	
				۸		۴	۱	
			۹		۴		۸	
۹	۸					۷		
			۳			۶		۱

سودوکو ۱۲۹۶

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۶		۲			۴			۱
۸		۱	۷			۹		۵
۳	۵			۸				۴
۹	۲				۷	۱	۵	
	۶	۷	۸		۱			۳
			۵	۹			۷	۶
۲			۳		۸	۶		
۷		۳					۱	۲
۴	۹			۱			۸	۷